



گزارش ایلنا از دیدار با کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران؛

ثروتی که با سوء مدیریت به باد رفت / قلب تپنده فولاد کشور هنوز خوب کار نمی کند

در دیدار با کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران در محل شرکت، آنها متفق القول می‌گویند اگر مواد اولیه شرکت تامین شود، تولید ادامه خواهد یافت. اگر مدیریت می‌خواهد کارگران تحت فشار نباشند باید در آنها اطمینان خاطر به وجود بیاورد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، اقامتگاه‌مان در کیانپارس اهواز است؛ منطقه‌ای پر از مراکز خرید و ساختمان‌های سر به فلک کشیده و بی‌شباهت به بسیاری دیگر از بخش‌های شهر. از آنجا تا محل شرکت گروه ملی صنعتی فولاد ایران _ که بیشتر به فولاد اهواز مشهور است _ بیست دقیقه‌ای راه است. هوا مه‌آلود است و جز فواصل نزدیک، جایی را نمی‌توان دید اما همین مساله هم مانع از دیدن خانه‌ها و محله‌های حاشیه شهر نمی‌شود؛ فضاهایی که بیشتر چهره‌ای روستایی دارند با رنگ و نمای محرومیت.

در ادامه، به خیابانی می‌رسیم که دیوارهای گروه ملی صنعتی فولاد ایران در آن نمایان می‌شود. اینجا یکی از مهم‌ترین قلب‌های تپنده صنعت فولاد کشور است. علاوه بر گروه ملی، شرکت فولاد کاویان که آن نیز از جمله مهم‌ترین صنایع فولاد کشور است، در طرف دیگر خیابان خودنمایی می‌کند.

در تارنمای رسمی شرکت درباره تاریخچه گروه ملی صنعتی فولاد ایران یا همان فولاد اهواز می‌خوانیم: "**در سال ۱۳۲۲، نخستین کارخانه نورد فولاد کشور به منظور تولید انواع میل‌گرد ساده، آج‌دار و نبشی، در شهر اهواز تاسیس گردید.**"

خطوط تولیدی با نصب تجهیزات و مونتاژ ماشین‌آلات با ظرفیت سالیانه ۶۵ هزار تن، در سال ۱۳۴۶ راه‌اندازی و به تدریج سایر کارگاه‌ها و فرایندها به آن افزوده شد. پس از انقلاب باشکوه اسلامی، این مجموعه صنعتی با داشتن خطوط و محصولات متنوعی از فرایندهای نورد و فولادسازی به نام گروه ملی صنعتی فولاد ایران نام‌گذاری شد.

با اجرای طرح‌های توسعه و بازسازی خطوط تولید طی سال‌های ۱۳۷۱، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۵ ظرفیت تولید افزایش و کیفیت محصول، سیستم‌های بهره‌برداری و کنترل تولید ارتقاء یافت. اکنون این مجتمع عظیم با ظرفیت سالانه ۱،۲۳۵،۰۰۰ تن فرآورده‌های فولادی و ۲۳۰،۰۰۰ تن شمش فولادی ضمن تأمین بخش عمده‌ای از نیازهای کشور، یکی از صادرکنندگان مهم محصولات فولادی می‌باشد."

در همین وبسایت نام بخش‌های مختلف شرکت آمده که بدین شرح هستند: کارخانه فولادسازی، کارخانه نورد کوتر، کارخانه‌های نورد میل‌گرد و مفتول، کارخانه نورد تیرآهن، کارخانه لوله‌سازی و کارخانه ماشین‌سازی .

با بازداشت مه‌آفرید امیرخسروی در سال ۱۳۹۰ که در مقام مدیرعاملی شرکت قرار داشت و به بخش خصوصی تعلق داشت، مشکلات و چالش‌های پیش‌روی این قطب مهم تولید محصولات فولادی کشور، آغاز شد. مسائلی که تا همین اواخر هم ادامه داشته و بازداشت‌های گسترده تعدادی از کارگران معترض به وضعیت نابسامان تولید شرکت و مداخله مجلس‌نشینان و برخی مسئولان و مقامات منطقه‌ای را به همراه داشته است. به‌علاوه، اعتراضات کارگران این شرکت تاثیر قابل توجی بر افکار عمومی کشور داشته و حتی موجب همراهی و حمایت برخی چهره‌های هنری شده است که تازه‌ترینش مهدی پیراحی (خواننده پاپ) بود که با پوشیدن لباس فرم کارگران از آنها حمایت کرد .

بعد از ورود به محوطه شرکت، با هدایت روابط عمومی وارد محوطه فولاد می‌شویم. گفته می‌شود وسعت زمین این شرکت نزدیک به ۲۶۰ هکتار است. عظمت و قدمت بخش‌های مختلف شرکت و پیچیدگی ماشین‌آلاتشان هر بیننده‌ای را به تحسین وامی‌دارد. گرچه بسیاری از این دستگاه‌ها ممکن است وارداتی باشند اما نمی‌توان منکر این شد که این دست‌ها و فکر کارگران و متخصصان توانمند ایرانی است که آنها را به اطاعت واداشته و به مسیر تولیدشان افکنده است .



ILNA

Photo:Reza Deris

شرکت چند روزی بیشتر نیست که راه افتاده به همین دلیل تعداد بسیار کمی از کارگران را می‌بینیم. هنوز برخی بخش‌های شرکت به‌طور کامل آغاز به کار نکرده‌اند. ما را به بخش لوله‌سازی می‌برند. در اینجا تعدادی از کارگران در یک اتاقک فرمان نشسته‌اند. بیرون از اتاق یک کوره وجود دارد که هر چند دقیقه یک‌بار گداختگی آن افزون‌تر شده، و سپس رو به آرامش می‌گذارد. گرمای کوره بر سرمای محیط غلبه دارد. کارمند روابط عمومی شرکت می‌گوید: **فکر کنید در این هوا که گرما را در مجاورت این کوره حس می‌کنید، در هرم گرمای تابستان، در دمای**

نزدیک به ۶۰ درجه، کارگران چه شرایط سخت و طاقت‌فرسایی را باید به جان خریده، تا در نزدیکی آن کار کنند .

تصورش برای همچون من که تجربه زندگی و کار در چنین محیطی را نداشته‌ام، بسیار سخت است.



ILNA

Photo:Reza De

وارد اتاق فرمان می‌شویم. کارگران را با دستانی ستبر و هیبتی جدی و مستحکم، اما با لبخندهایی زیبا و رویی گشاده می‌یابیم. صمیمیت کارگران ترغیب می‌کند که سریع و بدون فوت وقت گفتگو پیرامون مشکلات و مطالباتشان را آغاز کنم. یکی از آنها که مشخص است از لحاظ سن و تخصص در جایگاهی نسبتاً بالاتر از دیگران قرار دارد، صحبتش را با اشاره به زمان خصوصی‌شدن شرکت از سال ۱۳۸۸ و واگذاری آن به مدیرعامل شرکت توسعه سرمایه‌گذاری امیرمنصور آریا (مه‌آفرید امیرخسروی) آغاز می‌کند .

او و دیگر حاضران در اتاق فرمان از دوران مدیریت مه‌آفرید امیرخسروی به خوبی یاد می‌کنند. به گفته آنها؛ شرکت نظم بسیار خوبی پیدا کرده بود. مه‌آفرید برای پرسنل اعتبار زیادی قائل بود. کارگران در آن زمان از حالت پیمانکاری درآمد، رتبه‌شان ارتقا یافت. این امر موجب یکدست شدن پرسنل شرکت شده بود. همچنین حقوق و مزایا بهتر شده، مرتباً هم پاداش داده می‌شد.



Photo:Reza De

مثالهایی می‌زنند که نمایانگر آرزوهایی بزرگ، اما بر باد رفته و تداوم نیافته است از جمله اینکه امیرخسروی در اوج تحریم‌ها با صرف هزینه بسیار قطعه‌ای را برای شرکت خریداری کرد که نمونه آن فقط در چند جای دنیا وجود دارد. قطعه‌ای که اگر تامین نمی‌شد لوله‌سازی از کار می‌افتاد. وی حتی قصد داشت با کشیدن یک خط آهن، شرکت را به یک بندر دریایی متصل سازد.

بعد صحبت به بعد از اعدام وی (۳ خرداد ۱۳۹۳) کشیده می‌شود. می‌گویند خانواده امیرخسروی تا ۴۸ ساعت بعد از اعدامش با تمام پرسنل تسویه حساب کرده و به هیچکس کمتر از حقش ندادند که هیچ، حتی اضافه هم دادند. با صدایی خسته گفته‌هایشان را پی می‌گیرند: بعد از آن شرکت به زیر بدهی رفت. از جیب خوردیم. تولیداتمان کاهش یافت. به تدریج معوقات دستمزد شروع شد.

تاکید دارند که اعتراضات اولیه به دستمزدهای معوق بود. اما اکنون مساله حقوق نیست چراکه الان معوقات به‌روز، و پرداخت شده است.

صحبتشان به مدیرعامل کنونی گروه ملی صنعتی فولاد ایران (کسری غفوری) می‌رسد و می‌گویند: بعد از آمدن وی، به شرکت جانی تازه دمیده شده، و مسیر مثبتی در پیش گرفته شد. طی حدود شش ماهی که از مدیریت دکتر غفوری می‌گذرد، صداقتش؛ کارگران را جذب خود کرده است.

با این حال، به این موضوع هم اشاره می‌کنند که طی این مدت قرار بوده حدود ۴۰ هزار تن مواد اولیه از صنایع فولاد (شرکت فولاد خوزستان) به صورت ماهانه به شرکت بیاید اما تاکنون در حدود ۸ الی ۹ هزار تن تامین شده، آن هم بعد از اعتراضات کارگران. تقریباً متفق‌القول هستند که اگر مواد اولیه شرکت تامین شود تولید خواهند کرد و مشکلی نخواهد بود.

یکی از آنها که جوان‌تر است، حرارت کلامش همه را به سکوت وا می‌دارد و می‌گوید: اگر شمش نباشد گناه من چیست؟ طی این مدت ۱۵۰۰ تن لوله فروخته شد که از طریق آن دو ماه حقوق من پرداخت شد. ما کارگران انتظار داریم که مدیرعامل مجموعه متن قرارداد با صنایع فولاد برای تامین مواد اولیه را در رسانه‌ها نشان دهند. ما اکنون تحت فشار و استرس هستیم. ضمانتی برای ما وجود ندارد که مثلا تا ده الی بیست روز دیگر فولاد خوزستان، مواد اولیه به گروه ملی فولاد بدهد. اگر مدیریت مجموعه می‌خواهد کارگران تحت فشار نباشند باید در آنها ایجاد اطمینان از قرارداد با فولاد خوزستان بکنند. اصلا معلوم نیست که چه اتفاقی افتاده که مواد اولیه برای گروه ملی نمی‌آید؟ آیا خدا راضی می‌شود که این بخش با این عظمت و قدرت تولید ۱۰ ساعت بخواهد فقط به خاطر نبود مواد اولیه؟



ILNA

Photo:Reza De

به اینجای بحث که می‌رسیم، کارگران یکصدا از مدیریت بانک ملی ابراز نارضایتی می‌کنند و می‌گویند: ۹۹ درصد مشکلات به‌خاطر بانک ملی و عدم تامین نقدینگی از سوی آن نهاد بزرگ مالی است. طرح مطالبه می‌کنند و اظهار می‌دارند: اینجا باید زیرنظر دولت اداره شود.

بعد از این، کارگران همگی به مشکل دیگر شرکت یعنی نبود قطعات ماشین‌آلات اشاره می‌کنند. دوباره صحبت‌هایشان رنگ حسرت به خود می‌گیرد و می‌گویند: فناوری موجود در بخش لوله‌سازی را ابتدا ژاپن و بعدا ایران داشت. زمان نصب واحداث دستگاه‌های این بخش، گفته می‌شد این سیستم فرار است ۹۹ سال کار کند. اما هنوز ۴ دهه گذشته که دچار مشکل شده و این مساله نه به خاطر ایراد دستگاه‌ها، بلکه به خاطر تامین نشدن قطعات است.

با اطمینان خاطر بر این نکته تاکید می‌کنند که همین یک بخش اگر خوب کار کند، می‌تواند آنقدر درآمدزایی کند که دستمزد ۳۰۰۰ کارگر مجموعه را فراهم آورد و این جدا از بخش کوثر است که باتوجه به عظمتش به تنهایی روی دست تمام شرکت‌های ایرانی زده است.

در خصوص هزینه‌ای که باید صورت گیرد، اشاره‌شان به بخش ذوب است که محمدرضا حسین‌زاده (مدیرعامل بانک ملی ایران) نیز قبلاً در گفتگو با ایلنا به آن اشاره کرده بود. می‌گویند: اکنون بیشترین هزینه برای شرکت باید برای بخش ذوب انجام شود.

فرستی پیش می‌آید تا درباره دوران مدیریت یکی دیگر از کارفرمایان بخش خصوصی مجموعه گفتگو کنیم: **عبدالرضا موسوی، سرمایه‌داری بزرگ در عرصه مسافربری و گردشگری که با خرید این شرکت از بانک ملی، از انتهای آبان سال گذشته تا ابتدای تیرماه سال جاری مدیریت آن را برعهده داشت اما در انتها به دلیل مشکلات فراوان، ناگزیر از واگذاری مجدد آن به بانک ملی شد. به قول کارگران؛ اینجا را به کسی واگذار کردند که هیچگونه آشنایی و تجربه مدیریتی در این حوزه را نداشت و اصلاً مال این کار نبود. طرز برخورد موسوی و نیروهای همراهش در فضای مجازی، نشان‌دهنده بی‌اطلاعی‌شان از اجزای فنی شرکت و حساسیت‌های محیط کار گروه ملی بود، با این وجود، اگر مشکلی در نتیجه اقدامات آنها پیش می‌آمد بازهم می‌گفتند مقصر کارگران هستند. آخر چرا و کجا کارگرها مقصر هستند؟**



ILNA

Photo:Reza De

آنها سپس در ادامه تاکید می‌کنند که ما چهارسال است درگیر مشکلات هستیم. تنها راهش این است بیایند و اعتباری دهند تا مواد اولیه این شرکت تامین شده و چرخه تولید راه بیفتد.

کارگران اذعان می‌دارند همین حقوقی هم که اکنون دکتر غفوری به کارکنانش می‌دهد از محل فروش محصولات شرکت است. یکی از آنها ضمن انتقاد از این رویکرد که می‌گوید کارگران با کارشکنی اجازه خروج ماشین‌های حامل تولیدات شرکت را نمی‌دادند، می‌گوید: منی که اکنون گیر حقوق و زندگی‌ام هستم، چرا نباید بگذارم ماشین به داخل شرکت آمده، تولیدات را بارکرده، و برای فروش در بازار عرضه کند؟

می‌گویند: این شرکت روزی ۱۱-۱۰ هزار خانوار را نان می‌داد. اکنون حداقل ۶۰ الی ۷۰ درصد آن بازدهی را می‌تواند داشته باشد. حیف هست که این همه ثروت به خاطر

سوءمدیریت از بین برود. به خدا ما هم از این وضع خسته شده‌ایم. کارد به استخوانمان رسیده است. آخر اگر وضعیت معیشتی ما حل شده باشد، برای چه باید هر روز اعتصاب و اعتراض کنیم؟

جالب آنکه آنها مرتب بر حسن نیت مدیرعامل فعلی شرکت تاکید دارند. با این حال، در پایان و در هنگام خداحافظی، یکی از آنها به آهستگی در گوشم می‌گوید: **ما به حساب گروکشی‌ای که از طریق بازداشت خودمان و دوستانمان از ما صورت گرفته، به کار بازگشته‌ایم.**

با کارگران خداحافظی کرده، و به برخی دیگر بخش‌های شرکت سر می‌زنیم. عجیب به نظر می‌رسد که بخش‌های مختلف کارخانه‌ای که این روزها مشغول به کار شده چرا تا این اندازه سوت و کور است. این را به حساب ورود یک خبرنگار می‌گذارم و به اتفاقاً همراهانم به سوله‌ای می‌رویم که در آن تولیدات شرکت قرار دارند. یکی از کارگران با اشاره به اعتبار و اهمیت این مجموعه می‌گوید: فولاد اهواز به نوعی یک برند معتبر و مشهور نه تنها در کشور، بلکه در سطح منطقه است. متأسفانه برخی از این مساله و مشکلات شرکت طی چندسال اخیر، سوءاستفاده کرده و به نام فولاد اهواز محصولاتشان را در بازار عرضه می‌کنند.

به کارخانه نورد تیرآهن می‌رویم که به قول روابط عمومی، بعد از حدود یازده ماه در حال بیدار شدن از خواب زمستانی است و قرار است نویدبخش تولید باشد. در مجموع، تعداد بسیار قلیلی کارگر را می‌بینیم. علت را می‌پرسیم که در جواب آن، می‌گویند که کارگران در حال صرف نهار هستند و برای همین در فضا چندان دیده نمی‌شوند.

در مقابل کارخانه نورد تیرآهن، شمش‌هایی گذاشته شده که قرار است به عنوان مواد اولیه برای تولید به کار گرفته شود. با یکی از کارگران سر صحبت را باز می‌کنم. از گذشته شرکت می‌پرسم. جواب جالبی می‌دهد؛ می‌گوید: **مشکلات این شرکت از زمان سپردن آن به بخش خصوصی (امیرمنصور آریا و بعداً هم دیگران) آغاز شد. پیش‌تر در زمانی که شرکت دولتی بود، از چنان تولیدی برخوردار بود که ماشین‌های حمل بار چند ساعت و چندکیلومتر را می‌بایست در صف به انتظار بایستند تا نوبت بارگیری‌شان شود.**

محمد رحمان‌زاده هروری در کتاب نگاهی به اقتصاد سیاسی ایران (از دهه ۱۳۴۰ الی ۱۳۹۵) در توصیف گروه ملی صنعتی فولاد ایران می‌نویسد: "سال‌های دهه ۱۳۶۰ بهترین سال‌های پویایی گروه ملی صنعت فولاد بوده، و بیش از ۱۷۰۰۰ نفر در آن کار می‌کردند."

با توجه به گزاره بالا و ناکارآمدی بخش خصوصی در ایران، اینکه کارگران معتقد باشند گروه ملی صنعتی فولاد ایران باید تحت نظر دولت اداره شود چندان هم بیراه نیست. آنها تاکنون تنها تجربه دومدل مدیریتی را داشته‌اند: دولتی و خصوصی، که دولتی توانسته تاثیرات بهتری را بر جای بگذارد.

مساله دیگری که باید به آن توجه کرد و در صحبت‌های کارگران پیرامون موضوع تعمیر قطعات ماشین‌آلات، بدان اشاره شد، این است که دستگاه‌های این مجموعه از لحاظ فنی، هنوز جزو برترین‌ها در این عرصه محسوب می‌شوند. در این خصوص، محمد رحمان‌زاده هروری در همان کتاب می‌نویسد: "برخلاف سخنانی که شاید برای زدن توی سر مال از سر فرسودگی چنین شرکت‌هایی به میان می‌آید، گزاره نیست بگویم که گروه ملی صنعتی فولاد ایران و بنگاه‌های همانند آن، هنوز هم جزو بهترین بنگاه‌های تولیدی خاورمیانه هستند و در بهترین حالت، ناتوانی و نابسامانی در ساختار مدیریتی است که کار را بدینجا رسانده است."

بدیهی‌ست که عرصه تولید و صنعت، به لحاظ قدرت شگفت‌آور خلق ارزش مولدی که در خود دارد، بی‌شک به متولی و یا متولیانی نیاز دارد که بتوانند دغدغه‌های آن را به خوبی درک کرده، و از پس چالش‌های آن برآیند. این مهم نیازمند مشارکت مستقیم تمام دست‌اندرکاران عرصه تولید در یک مجموعه بزرگ مثل گروه ملی صنعتی فولاد ایران است. در این میان، سیستم حاکمیتی نیز با نظارت کارآمد و سالم، می‌بایستی از حقوق تولیدگران حراست نموده و آنها را به صاحبان سرمایه‌های مالی نسپرد.



NA

Photo:Reza Deris

گزارش: علی رفاهی